

[اطلاعات شخصی افراد حذف شده است]

[آذر ۱۳۲۶]

بسم الله الرحمن الرحيم؛ عظم الله اجورنا و اجوركم بمصابنا بسيدنا و مولانا الحسين (ع)

جناب مستطاب اجل اکرم، آقای محمد قوام زید مجده

السلام عليكم و رحمت الله و برکاته، و بعد، خبر مسرت اقتران جناب عالی اقتضای تبریک دارد، و لکن چون ماه محرم است به دعای رفاه و بنین و سعادت زوجین اکتفا می‌نمایم. این نامه را از یزد با گماشته خاص می‌فرستم، اگر مقتضی باشد شفاهاً از ایشان توضیح بخواهید. ممتنی است به عرض حضرت اشرف برسانید که این جانب برای ایشان خصوصاً و ایران و عموم عالم اسلام از بی‌سوادهای مرکز و معممین بی‌علم و رییس مدرسه سپهسالار و امام جمعه مسجدشاه و امثالهم مفیدتر هستم. بهبهانی و ظهیرالاسلام و ائمه جماعت طهران و سید یحیی و شیخ علی مدرس و شیخ عبدالله و بقیه علمای دربار نه به درد دنیا می‌خورند نه به درد دین، خصوصاً که از دین خبری ندارند و مشتی از خرافات موروثه در دست این‌ها هست که با وضعیّت عصر حاضر به جز ضرر ندارد. چه شد که من در یزد به حال تبعید سر می‌برم و این‌ها در طهران مشغول دسپایس و تحریک به نام دین بر ضدّ دولت و مصالح ملت هستند.

با زمامداری حضرت اشرف و کفایتی که از ایشان مشهود عالم شده، چرا باید نسبت به مخلص ایشان این‌گونه رفتار جاری بشود؟ به عراق خواستم بروم، ممانعت شد، در طهران نگذاشتند بمانم. در یزد بهائی‌ها و یهودی‌ها و کمونیست‌ها آزاد و من محدود هستم و اداره شهربانی حتی از رسیدن کمک معیشت ممانعت می‌کند. از جوان کم‌تجربه که هم‌نشینی با سرهنگ ایادی و سرلشکر عالی و سرلشکر ... و فتح اعظم و امثال آنها را دارد، انتظار رعایت مصالح مملکتی و دینی، بلکه شخصی هم نیست، بالعکس انتظار این‌گونه فشارها می‌رود. اما با زمامداری مثل حضرت اشرف سازش ندارد. خیلی مضحک است که رضاخان وحشی، بیست و دو سال مرا در حبس و تبعید نگه داشت و حالا که شخص مدنی و مجرب و علاقمند به ... و دارای صفات ضدّ صفات پهلوی زمامدار است، به این حال باقی بمانم. چون فشار شخصی و نوعی در یزد به حدّ اعلا رسید، این نامه را عرض و انتظار جواب دارم و توضیح از حامل عریضه بخواهید، ممکن است. و السلام علیکم و رحمت الله و برکاته.

محمد خالصی [زاده]

[حاشیه ۱]: به عرض برسد، نامه از آقای خالصی زاده است که به یزد تبعید شده‌اند. ۱ دی ۱۳۲۶

[حاشیه ۲]: پیشینه، ۲۹ دی

[حاشیه ۳]: [مهر: ورود به دفتر نخست وزیر، شماره: ۱۶۲۸۳/۲، تاریخ: ۵ بهمن ۱۳۲۶]

[حاشیه ۴]: آقای دبیران، از این پرونده خلاصه‌ای تهیه شود. ۷ بهمن ۱۳۲۶

[حاشیه ۵]: پرونده از سال ۲۶ ضمیمه است. ۷ بهمن

[متن بالا رونویسی از اصل سند است. اگر به نکته‌ای برخورد کردید که دقیق رونویسی نشده است لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید]